

## رویکرد قانون مجازات اسلامی به فساد اقتصادی در نظام پولی و بانکی کشور

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۰۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۹/۲۰)

دکتر سینا نجفی

### چکیده

در قانون مجازات اسلامی سابق بابتی در خصوص جرایم اقتصادی به طور خاص اختصاص نیافته بود و چنین اصطلاحی نیز به رسمیت شناخته نشده بود اما قانونگذار ایران در قانون جدید مجازات اسلامی دسته بندی موسوم به «جرایم اقتصادی» را رسماً در ادبیات جزائی وارد نمود این جرایم که مصادیق آن در تبصره ماده ۳۵ قانون جدید آمده اغلب فعالیت های غیرقانونی را شامل می شود که توسط کارکنان دولت ارتکاب می یابند یا اینکه توسط افراد عادی ارتکاب می یابند ولی نظم اقتصادی را مختل نموده و اعتماد عمومی به فعالیت های دولت را دچار خدشه می سازند. سیاست جنایی باید یک رویکرد جامع و منسجم باشد و تنها به یک بعد برای مقابله با جرم و جنایت تمرکز ننماید. ظاهراً قانونگذار ایران در صدد است سیاست جنایی جامعی از این حیث تدارک ببیند که هم راهبرد پیشگیرانه غیر کیفری و هم کیفری را دنبال نماید. قانون اخیرالتصویب ارتقا سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰ بخشی از مفاسد اقتصادی که علیه حقوق مالی دولت ارتکاب می یابند را از حیث پیش گیری غیر کیفری از وقوع چنین جرایمی مورد توجه قرار داده است اما از حیث پیشگیری کیفری و واکنش کیفری نسبت به جرایم اقتصادی و اداری، نظام جزایی ایران با مقررات بسیار پراکنده جزائی روبروست و مقررات کلی و منسجمی از این حیث دیده نمی شود.

۴۱

فصلنامه مطالعات نوین بانکی - دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸



واژگان کلیدی: سیاست کیفری، جرایم اقتصادی، فساد اقتصادی، نظام پولی و بانکی

## بخش اول: ضابطه‌مندی تقنین جرایم اقتصادی در قانون جدید مجازات اسلامی

شاید پرسید جرایم اقتصادی در قانون جدید مجازات اسلامی بر اساس چه ضابطه‌ای تعیین شده است و ملاک تشخیص آن چیست؟ به علاوه آیا این ضابطه را می‌توان در مورد قوانین خاصی که پیشتر در مورد جرایم پراکنده اقتصادی تصویب شده اند تطبیق داد و به طور خاص آیا قانون جدید ملاک و ضابطه‌ای برای تشخیص عبارات «کلان»، عمده و فراوان که در برخی قوانین خاص از جمله قانون مبارزه با اخلاک‌گران نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ ارائه داده است؟

### بند اول: ضابطه تعیین جرم اقتصادی در قانون جدید

یکی از آفات موجود در واژگان شناسی، تحلیل ویژگی ذاتی اعمال مجرمانه است که با ابهامات زیادی روبرو است. جرم اقتصادی یکی از بدترین مثال‌هاست و یکی از منازعاتی که همواره پیرامون جرم اقتصادی وجود دارد تعریف آن است.<sup>۱</sup> در این حوزه شاهد هنجارها و معیارهای نامشخص، متعارض و قابل تغییری هستیم به طوری که می‌توان گفت همانگونه که اقتصاد به سرعت در حال جهانی شدن است جرایم اقتصادی نیز در حال تغییر و دگرگونی است و ویژگی اصلی جرایم اقتصادی تغییر سریعی است که در آن صورت می‌گیرد.<sup>۲</sup> در فصل اول اشاره کردیم که تعریف پیرامون جرم اقتصادی حول شاخصه‌های متعددی شکل گرفته است و تعریف واحدی دیده نمی‌شود اما قانونگذار باید در هر نظام حقوقی بر حسب اینکه حمایت از کدامیک از ارزشها را مورد توجه دارد، بر اساس یکی از این شاخصه‌ها اقدام به جرم‌انگاری کند:

۱- بر اساس ضرر و زیان وارده

۲- بر اساس میزان کمی ضرر و زیان وارده

<sup>۱</sup> مهرانگیز روستایی، پیشین، ص ۹

<sup>۲</sup> همان

۳- بر اساس شخصیت و موقعیت اقتصادی و اجتماعی مرتکب

۴- بر اساس هدف از ارتکاب جرم

۵- بر اساس موضوع جرم

در حقوق و رویه قضایی کشورهای مختلف جهان هر یک از این اهداف و تعاریف مورد توجه قرار گرفته است. که در تمام ضوابط ارائه شده ایراد ضرر غیرقانونی و نامشروع مالی به بزه دیده شرط تحقق جرم دانسته شده است. در یک تعریف جرم اقتصادی جرمی است که به منظور تحصیل سود در قالب انواع دیگری از مشاغل قانونی رخ می‌دهد. ممکن است شهروندان خصوصی، بخش‌های تجاری و یا عمومی را متضرر کند. پس مطابق این تعریف، فرار مالیاتی و انواع متفاوتی از کلاهبرداری و اختلاس در شرکت‌های قانونی جرم خواهد بود.<sup>۱</sup> ضوابط یاد شده بر اساس هدف از ارتکاب جرم (تحصیل سود) + ماهیت بزه‌دیده جرم (شخص حقیقی+شخص حقوقی اعم از خصوصی و عمومی)+ زمینه ارتکاب جرم (در قالب مشاغل قانونی) ارائه گردیده است. در تعریف دیگری جرم اقتصادی به فعالیت‌های غیرقانونی اطلاق شده است که در حوزه تجارت و به منظور کسب منافع اقتصادی صورت می‌گیرد. این جرم معمولاً از طریق برشمردن مصادیقی مانند جرایم مالیاتی، جرایم علیه مقررات مالی، رشوه، کلاهبرداری، اختلاس و مانند آن شناسایی می‌شود.<sup>۲</sup> تعریف یاد شده بر اساس زمینه ارتکاب جرم (در حوزه تجارت) + هدف از ارتکاب جرم (کسب منافع اقتصادی) ارائه شده است. در تعریف ساترلند از جرم اقتصادی که آن را جرم یقه سفیدان می‌نامد<sup>۳</sup> موقعیت اقتصادی و اجتماعی مرتکب جرم (فرد یقه سفید و متعلق به



<sup>۱</sup> Ponsaser: ۲۰۰۲ نقل از روستایی، مهرانگیز، پیشین، ص ۱۰

<sup>۲</sup> Jørgen: ۲۰۰۴ نقل از دادخدایی، لایلا، ۱۳۸۹، پیشین، ص ۴۷

<sup>۳</sup> سلیمی، صادق، "مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران"، فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸ شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۴۱.



طبقه اجتماعی خاص) + زمینه ارتکاب جرم (حوزه شغلی و حرفه‌ای) مبنای تعریف قرار گرفته است. در مواردی نیز تعریف جرم اقتصادی در قالب جرم سازمان یافته ارائه شده است که عناصر آن سازمان یافته بودن و انجام آن در قالب یک فعالیت اقتصادی منظم و به صورت گروهی است. در تعاریف دیگری به تعداد بزه‌دیدگان یا مبلغ حاصل از موضوع جرم در ارائه دسته بندی برای آن توجه شده است. در چنین قانونگذار جرایم اقتصادی را به سه دسته تقسیم نموده است. دسته اول شامل جرایم اختلاس، کلاهبرداری، و رباخواری است که مجازات آنها بستگی به تعداد بزه‌دیدگان یا مبلغ ضرر وارده دارد. دسته دوم شامل قاچاق، جرایم مالیاتی، جعل اسکناس، فروش دخیات یا الکل بدون مجوز، نقض قانون کنترل مبادلات خارجی و جرایم بانکی است که اگر موضوع جرم بیش از دو میلیون دلار باشد مجرم اقتصادی قلمداد می‌گردند. دسته آخر از مجرمین اقتصادی آنهایی هستند که به نقض قوانین علایم تجاری، قانون اختراع و کپی رایت، نقض قانون مبادلات خارجی و تخلفات بیمه‌ای مبادرت نمایند. اینها نیز صرف نظر از تعداد بزه دیدگان و میزان ضرر وارده در زمره مجرمین اقتصادی‌اند که منافع اقتصاد محلی را به مخاطره انداخته‌اند.<sup>1</sup>

### بند دوم: دسته بندی جرایم اقتصادی

همانگونه که در بند پیشین آمد بر اساس ضابطه سوم قانون‌گذار تلویحاً اقدام به نوعی دسته‌بندی در جرایم اقتصادی بر اساس میزان پولی موضوع جرم نموده است. دسته‌بندی که بر اساس آن می‌توان گفت جرایم اقتصادی به خرد، متوسط و کلان تقسیم شده است که ملاک آنها میزان ریالی موضوع جرم است. در این دسته بندی جرایم خرد اقتصادی جرایمی هستند که در آنها میزان

<sup>1</sup> Wang, Hsiao-Ming, (1998), The sanctioning of economic crime in the republic of china: the socioeconomic status-sanction hypothesis, a dissertation presented to the faculty of the college of criminal justice. P9

موضوع جرم کمتر از یکصد میلیون ریال است و مشمول هیچ نوع سخت گیری در تعیین یا اجرای مجازات نگردیده‌اند و احکام مربوط به مجازات سایر جرائم عادی بر آنها بار است. محکومین جرائم متوسط اقتصادی که میزان موضوع جرم در آنها بیش از یکصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال را در بر می‌گیرد. این دسته در بند ج ماده ۴۷ قانون جدید مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است و مطابق قانون مجازات جدید تنها از امتیاز تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات محرومند. ماده ۴۷ مقرر داشته: «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست ... ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال». در اینجا سقف جرائم متوسط اقتصادی تعیین نگردیده است اما می‌توان از ملاکی که برای جرائم کلان تعیین شده فهمید که این سقف یک میلیارد ریال است. جرائم کلان اقتصادی محکومین با میزان موضوع جرم بیش از یک میلیارد ریال را در بر می‌گیرد. محکومین جرائم اقتصادی با این میزان موضوع جرم از شمول مرور زمان کیفری جرائم موجب تعزیر در تعقیب، صدور و اجرای حکم مستثنی شده‌اند (ماده ۱۰۹ قانون جدید) ضمن اینکه چنین محکومانی باید تشهیر شوند (تبصره ماده ۳۶ قانون جدید). لذا با توجه به رویکرد قانون جدید مجازات اسلامی باید گفت قانونگذار به جرائم اقتصادی متوسط و کلان حساسیت بیشتری نشان داده و محکومین آن را در کنار سایر جرائم شدید علیه اشخاص و اموال و امنیت ملی از برخی تسهیلات محروم نموده است و در عین حال تشهیر مجرمین کلان را به عنوان مجازاتی مضاعف بدان افزوده است. دسته بندی تلویحی جرائم اقتصادی بر اساس میزان ریالی موضوع جرم این امکان را پدید می‌آورد که قضات برای تشخیص جرم کلان از جرم غیر کلان یک ملاک در دست داشته باشند. البته قانونگذار هیچگاه واژه‌های کلان یا متوسط یا خرد را در مورد جرائم اقتصادی به کار نبرده است و این دسته‌بندی از مواد سه گانه قانونی که مشخصاً به عنوان جرم اقتصادی انشاء شده اند چنین چیزی بر می‌آید.



## بند سوم: تطبیق ضابطه مذکور در قانون جدید بر قوانین خاص جرایم اقتصادی

اینکه آیا می‌توان از دسته‌بندی مذکور در بند پیش استفاده نموده و در مورد قوانین خاص که قانونگذار بدون به دست دادن ملاکی از لفظ عمده و کلان استفاده نموده بهره برد؟ پاسخ این پرسش موضوع این بند است. ماده یک قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر داشته: «ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود» و در بند الف به عنوان اولین مصداق اعمال مجرمانه موصوف «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن جرم‌انگاری گردیده است. در این بند قانونگذار به ذکر عبارات اصطلاحاتی پرداخته بدون این که متعرض معنی و مفهوم و حدود آن گردد و مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است. اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور در قانون مشخص نیست که به چه مفهومی آمده و منظور از اخلال چیست.<sup>۱</sup> همچنین قاچاق عمده هیچگونه تعریف و معیاری نداشته و ملاکی برای تشخیص عمده از غیر عمده وجود ندارد.<sup>۲</sup> مضافاً این که در تبصره ماده ۱ نیز قانونگذار اختیار تعیین عمده و کلان را به قاضی رسیدگی کننده سپرده است که این خود موجب تفسیرهای چندگانه و گاهاً موسع و سلیقه‌ای می‌باشد، در حالیکه تفسیر قانون وظیفه مقنن است.<sup>۳</sup> این تبصره مقرر داشته است «قاضی ذی صلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای فوق‌الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن می‌تواند حسب مورد، نظر مرجع ذی ربط را نیز جلب نماید» همچنین در بند ۱ مورد بررسی به جرایم ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا

<sup>۱</sup> پیمانی، ضیاء الدین؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ پنجم ۱۳۸۰، انتشارات میزان، ص ۹۶ و ۹۷ و ۱۲۷ و ۱۲۸

<sup>۲</sup> آقازاده، علیرضا؛ پیشین، صص ۱۳ و ۱۴

<sup>۳</sup> اصل هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی یا خارجی اشاره شده است. این در شرایطی است که قانونگذار میان مجازات جرایمی در این خصوص که عمده تلقی شوند با مواردی که عمده تلقی نشود تفاوت بسیار زیادی قائل شده است. با دقت در ماده واحده و بند الف ماده ۱ مشخص می شود که در ماده واحده جعل یا توزیع یا مصرف عامدانه اسکناس جعلی رایج داخلی به صورت بانندی و یا به قصد مبارزه با نظام، مجازات اعدام را در پی دارد.<sup>۱</sup> در بند الف ماده ۱ نیز جعل یا وارد یا توزیع نمودن اسکناس جعلی داخلی یا خارجی به صورت عمده و کلان حسب حکم ماده ۲ قانون موصوف در صورتی که به قصد ضربه زدن به نظام یا قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن در مقابله با نظام ارتکاب یابد چنان که در حدّ مفسد فی الارض باشد، مجازات اعدام دارد. صرف نظر از اینکه یک موضوع در دو قانون مورد حکم واقع شده است که این مسئله نیاز به بازنگری و اصلاح دارد بعلاوه در برخی جرایم اقتصادی مجازات مجرم در صورت تحقق شرایط افساد فی الارض اعدام در نظر گرفته شده است در این خصوص نیز ملاحظه می شود حکمی مبهم و در خور تفسیرهای متعدد انشاء شده است.

### بخش دوم: صریح و فساد زا نبودن قانون

صراحت قانون و فساد زا نبودن آن مکمل یکدیگر هستند. قانون مبهم جای تفسیر را می گشاید و می تواند به فساد منجر شود. قانون کیفری که علیه جرایم اقتصادی وضع می شود باید دارای این خصوصیات باشد. در زیر هر یک از این موارد را بررسی می نمایم.

### بند اول: صراحت قانون جدید مجازات اسلامی

قانون بایستی به لحاظ عملی صریح، ساده و بدون ابهام وضع شود تا کارگذاران و مجریان به راحتی بتوانند آن را اجرا نمایند در عین حال قانون باید قابل اجرا باشد، اگر قانون به گونه ای وضع

<sup>۱</sup> میر محمد صادقی، حسین؛ حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۷، صص ۲۴۰ و



شود که مقبولیت و امکان اجرا در آن لحاظ نشود در این صورت وضع آن به منزله دعوت عمومی برای نقض آن است.<sup>۱</sup> قانونگذار علیه جرایم اقتصادی باید به گونه ای منجز و رسا باشد که اختیارات گزینشی در آن نباشد بانک جهانی در کشورهایی که اختیارات گزینشی زمینه سوء استفاده را فراهم می کند پیشنهاد داده است پارلمان قوانینی وضع کند ساده و قابل فهم بوده و برای قابلیت اجرا بحثی باقی نگذارد و جایی برای تفسیر نباشد.<sup>۲</sup> اما ملاحظه می شود این توصیه در مورد قوانین مرتبط با جرایم اقتصادی در ایران چندان صادق نیست پیشتر ایرادات ناشی از عدم صراحت قانون و ابهام در عبارات آن را در قوانین مختلف مانند قانون مبارزه با اخلاکاران نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و قوانین پراکنده دیگر دیدیم. این موضوع در مورد قانون جدید مجازات اسلامی نیز صادق است و قانونگذار در این زمینه موفق عمل نکرده است. همان سه ماده قانون جدید که در آن به جرایم اقتصادی اشاره شده است (تبصره ماده ۳۵، ماده ۴۶ و ماده ۱۰۸) جای تفسیر و بحث را کاملاً باز گذاشته است.

### بند دوم: فساد زا نبودن قانون

برخی مقررات در زمینه جرایم اقتصادی از عارضه فسادآوری رنج می برند و خود می توانند زمینه فساد گردند. از جمله می توان به قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ اشاره نمود. ماده ۱۱ قانون مذکور در مقام بیان روش های انجام مناقصه معاملات را به سه دسته کوچک و بزرگ و متوسط تقسیم کرده است و در مقام تعریف معاملات کوچک گفته است: «در معاملات کوچک کارپرداز باید با توجه به کم و کیف موضوع معامله درباره بهای آن تحقیق کند و با رعایت صرفه و صلاح و

<sup>۱</sup> علیمیری، مصطفی، بازرسی در آیین قانون، مجموعه مقالات نخستین همایش نظارت و بازرسی کل کشور، نشر سازمان بازرسی کل کشور، ۱۳۷۶، ص ۳۱۰

<sup>۲</sup> پاپ، جرمی، پارلمان و قانونگذاری علیه فساد، ترجمه مسعود فریادی، نشریه مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۲، ص ۲۲۱.



اخذ فاکتور به تشخیص و مسئولیت خود معامله را با تأمین کیفیت به کمترین بهای ممکن انجام دهد» قید «به تشخیص و مسئولیت خود» به تنهایی می‌تواند زمینه فساد را مهیا گرداند. زیرا در این صورت کارمند می‌تواند یک معامله متوسط را به چندین معامله کوچک تقسیم نموده و با استفاده از این قید فساد آور و در تبانی با فروشنده نسبت به تهیه کالای ارزان و دریافت فاکتور گران اقدام نماید. در قانون جدید مجازات اسلامی می‌توان این تفسیر را داشت که کلان بودن جرم اقتصادی با تعیین مبلغ مشخصی که موضوع جرم را تشکیل داده روشن و رسا تعیین شده است که از جمله جرایم اخلال در نظام اقتصادی را نیز می‌تواند در برمی‌گیرد. هر چند قانونگذار عبارت کلان یا عمده را در این قانون به کار نبرده است اما با توجه به مبلغ واحدی که در دو ماده قانونی (مواد ۳۵ و ۱۰۸) تعیین نموده و طی آن جرایم اقتصادی بالاتر از مبلغ یک میلیارد ریال را از برخی تسهیلات پیش‌بینی شده برای مجرمین عادی محروم نموده (شمول مرور زمان) و یا حکم به تشهیر محکومین آنها داده است نشانگر اینست که قانونگذار درصدد تعیین ملاکی برای تشخیص جرایم اقتصادی کلان بوده است. اما این موضوع صریح بیان نشده و جای تأویل دارد لذا خود مستمسکی برای فساد است. قاضی می‌تواند با دست زدن به تفسیر جرمی را در عداد جرایم اقتصادی قلمداد نماید یا جرمی دیگر را از عداد آن خارج بداند. البته قانونگذار جدید تلاش نموده است تا با سلب اختیارات قضات در استفاده از راهکارهای معاف‌کننده یا کاهنده مجازات مثل تعویق در صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، دست قضات را از این حیث ببندد و جلوی بخشی از فساد احتمالی در اجرای مجازات را بگیرد. اما با قائل شدن معاذیری مانند امکان توبه در جرایم حدی که می‌تواند مجرمین کلان اقتصادی که اتهام افساد فی الارض محاکمه می‌شوند به تخفیف مجازات امیدوار نماید. از آنجا که احراز توبه به تشخیص قاضی واگذار شده است می‌تواند راه را برای فساد بیشتر بگشاید. لذا گانده اعتقاد دارد هر جا دست قاضی در تعیین و اعمال مجازات مجرمین



اقتصادی باز گذارده شود، یک در بر روی فساد احتمالی باز شده است. لذا دادن اختیار گسترده به قاضی و دستگاه قضایی برای مبارزه با فساد، خود فساد ایجاد خواهد کرد.

## بخش سوم: رویکرد قانون مجازات جدید از حیث آگاهی از قانون و عدم تورم قوانین

منظور از تورم انباشتگی قوانین است اگرچه وجود قوانین کیفری برای جامعه یک ضرورت است اما افراط در این زمینه به یک معضلی علیه حقوق کیفری تبدیل می‌شود<sup>۱</sup> تجمع و کثرت قوانین موجب ناآگاهی افراد جامعه از مقررات کیفری، ابهام در قانون، دشواری در اجرای آن و نهایتاً ناکارآمدی مبارزه با جرایم می‌شود. در خصوص امور اداری و مالی و فعالیت‌های اقتصادی کشور کثرت قوانین و مقررات کیفری ممکن است موجب سوء استفاده کسانی شود که به راه‌های گریز از قانون مسلطند و یا از ناآگاهی افراد از حقوق خود سوء استفاده می‌کنند. اگر قرار است به موجب قانون منافعی برای عموم (یا بخشی از جامعه) فراهم شود قانونگذاران باید تضمین نمایند که افراد ذی نفع از حقوق جدید خود، آگاه هستند تا به این وسیله امکان سوء استفاده از این منافع کاهش یابد. همچنین ساز و کارهای اقامه دعوی (هم در قوانین خاص، هم در قوانین عام) باید برای همگان در دسترس باشد. نمونه کلاسیک قانون ضد فساد را می‌توان در زمینه تأمین خدمات عمومی ذکر کرد.<sup>۲</sup> کثرت، تنوع و پراکندگی قوانین و مقررات جزائی در زمینه جرایم اقتصادی همچنین می‌تواند اقتدار و اختیار مجریان قانون را اعمال خودسرانه قوانین فراهم آورد و در سوی دیگر به جهت انبوهی قوانین سرگیجه آور افراد جامعه از حقوق خود آگاهی نمی‌یابند. در مقررات جزائی ایران که علیه جرایم به اصطلاح اقتصادی وضع شده است انبوهی قوانین و مقررات

<sup>۱</sup> حبیب‌زاده محمد، جعفر؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین و کیومرث کلاتری، "تورم کیفری، عوامل و پیامدها"، نشریه

مدرس، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰ ص ۶۹.

<sup>۲</sup> پاپ، جرمی، پیشین، ص ۲۴۰.

خود یک چالش جدی است. تنها در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز به عنوان یکی از مصادیق جرم اقتصادی و اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌توان فهرستی از ده‌ها متن قانونی پراکنده را تهیه نمود که طبعاً ممکن است به تعارض، تراحم و ابهام در قوانین منجر شود یا باب تفسیرهای متعدد را باز نماید. چنین قانونگذاری موجب بی‌حرمتی قانون می‌شود و این احساس در مردم ایجاد می‌شود که قانون بازیچه‌ای است که خیلی زود در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرد و به تدریج مردم کلیه قواعد تشکیلاتی و کاری جامعه را همسان و در یک تراز می‌بینند.

### بخش چهارم: گفتمان محتوایی قانونگذار در پیشگیری از فساد اداری و اقتصادی

پیشگیری از جرایم اقتصادی پیش از هر چیز تابع درک موقعیت قانونی این جرایم در یک نظام سیاست جنایی از یک سو و امکان تحقق تدابیر پیشگیرانه نسبت به آنها از سوی دیگر است. در راستای پیشگیری از ارتکاب جرایم اقتصادی، حذف کامل رفتارهای مجرمانه غیرممکن است، اما هدف مقبول در این راستا می‌تواند کاهش نرخ جرم باشد که در مورد جرایم مذکور، این نرخ یا آستانه، مربوط به ثبات خود سیستم است. پیشگیری از جرایم اقتصادی، با تأثیرگذاری بر وضعیت‌های جرم‌زا، از طریق اتخاذ تدابیر مناسب، مجرمین بالقوه را متقاعد می‌کند که هزینه ارتکاب جرم بیش از حد توان آنهاست. مشکل بودن کشف جرایم اقتصادی از یک سو و عدم دسترسی کافی به منابع کشف و تعقیب آنها و همراه بودن ارتکاب این جرایم با هزینه‌های هنگفت برای جامعه از سوی دیگر از دلایل افزایش تلاش‌های پیش‌گیرانه می‌باشد. برای توجیه توسل به تدابیر کیفی لازم به ذکر است که «اخلاق معنوی و اجتماعی» که در محدوده پیشگیری اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، با همه اهمیتی که دارد، برای پیشگیری از همه جرایم کافی نیست. اگر صرفاً به کارایی آن در مقابله با جرم اعتقاد داشته باشیم، لذا کسانی که اخلاقمند هستند، نباید مرتکب جرم شوند، در حالی که همواره چنین نیست. مدیر یک شرکت که مسائل اخلاقی را نیز رعایت می‌-



کند، مرتکب جرم مرتبط با شغل و تخصص خود می‌شود. مثلاً اسرار و اطلاعات نهان بورس را به طور غیرمجاز و با اعمال نفوذ بدست آورده و بدین ترتیب یک شبه مبالغ هنگفتی بدست می‌آورد و موجب خسارت به اشخاصی می‌شود و به اقتصاد و اعتبار دولت خدشه وارد می‌کند.<sup>۱</sup> بنابراین به دنبال عدم تکافوی تدابیر پیشگیرانه اجتماعی، توسل به تدابیر پیشگیرانه کیفری امری ضروری و اجتناب ناپذیر می‌نماید. از سوی دیگر «هرچه پیش‌گیری اجتماعی در ایفای نقش آموزشی و تربیتی خود در زندگی اجتماعی فرد کوتاهی کند، قوانین کیفری باید در جهت جلوگیری از گذار از اندیشه به عمل مجرمانه فعال و بازدارنده باشد.<sup>۲</sup> جدا از این در مورد مجرمین اقتصادی، با توجه به قدرت سازگاری با جامعه، اعتماد به نفس بالا و عدم تأثیر پیشگیری اجتماعی جهت جلوگیری از جرم، تدابیر کیفری در اولویت قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup> بنابراین تدابیر کیفری باید هزینه ارتکاب جرم را بالا ببرد، مجازات‌های متناسب وضع کند، مجازات‌ها بازدارنده باشد، اهداف و ارزش‌های مورد حمایت قانونگذار را پوشش دهد.

### بند اول: بالا بردن هزینه ارتکاب جرم و پاسخ کیفری متناسب

قانونگذار باید در تصویب یک قانون جزائی به گونه‌ای هزینه ارتکاب جرم را بالا ببرد که مرتکب احتمالی از همان ابتدا مضار آن را بر منافع ارتکاب جرم ترجیح دهد. در مقررات جزائی ایران بدو در قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس ارتشا و کلاهبرداری برای پرداخت کننده رشوه تعیین مجازات نشده بود. اما با تصویب بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ قانونگذار در ماده ۵۹۲ این قانون مجازات حبس از شش ماه تا دو سال را و یا تا ۷۴ ضربه شلاق را

<sup>۱</sup> نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۵، پیشین، ص ۵۵

<sup>۲</sup> گسن، ریموند؛ مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپ اول، انتشارات مترجم، تهران، ۱۳۸۳، ص

۲۵۲.

<sup>۳</sup> دادخدایی، ۱۳۹۰، پیشین، ص ۲۸۴.

برای مرتکب این جرم تعیین نمود اما در راستای تشویق و ترغیب راشی به اعلام پرداخت رشوه راشی مضطر یا گزارش دهنده پرداخت را از مجازات معاف نمود. قانونگذار ایران در جهت بالا بردن هزینه ارتکاب جرم برای مرتکبین جرایم اقتصادی متوسل به تشدید و تنوع مجازات‌ها شده است. ضمن اینکه طی مقررات متعدد مانند قانون مبارزه با اخلاالگران نظام اقتصادی، قانون تشدید و قانون مجازات اسلامی تلاش کرده است تا مقررات شدیدی را برای مرتکبین تعیین نماید در عین حال طیف مجازات‌ها در این خصوص از تنوع بالایی برخوردار است تا بدین ترتیب مجرمین با خصوصیات روانی و اخلاقی مختلف را به سنجش سود و زیان ارتکاب بزه وادارد و هزینه‌های ارتکاب را از همه حیث افزایش دهد. برای مجرمین چنین جرایمی حسب مورد طیف وسیعی از انواع مجازات‌ها شامل مجازات‌های اعدام، سلب آزادی، مجازات‌های مالی (ضبط اموال حاصل از جرم، مصادره اموال، جزای نقدی)، شلاق، محرومیت‌های اجتماعی، تشریح، محرومیت از فعالیت اقتصادی، انفصال دائم یا موقت از خدمات دولتی و غیره می‌گردد. اما باید توجه داشت که در بخش جرایم اقتصادی اعمالی جرم انگاری شده اند که در ذات و ماهیت خود کیفری نیستند. یکی از راه‌های تفکیک تخلفات کیفری و غیر کیفری، تفکیک بر اساس ماهیت و طبیعت ذاتی این اقدامات است. تناسب جرم با مجازات یکی از اصول حاکم بر مجازات‌هاست، آنچه در اینجا مد نظر ماست مربوط به حیطه وظیفه قانونگذاری است. یعنی قانونگذار کیفری باید در جرم انگاری جرایم اقتصادی مناسب واکنش را نشان دهد. تا در زمان اجرا و عمل از یکسو بازدارندگی و کارآمدی لازم را داشته باشد و در عین حال قضات به دلیل عدم تناسب جرم با مجازات از حکم به آن به انحاء مختلف سرباز نزنند. هر گاه مقصود از مجازات سودمند بودن آن باشد وظیفه قانونگذار است تا در هر مورد میزان کارایی مجازات را سنجیده و متناسب با رفتار مجرمانه و ضرر و زیانی که به نظم عمومی جامعه وارد آورده، عکس العمل جامعه را به صورت قوانین کیفری در آورد تصویب و اجرای منطقی مجازات‌ها و رعایت تناسب مجازات با جرم می‌تواند در تقلیل بزه



کاری مؤثر باشد.<sup>۱</sup> قانونگذار در بند الف ماده ۱۱ قانون ارتقا سلامت نظام اداری قوه قضائیه را ملزم نموده است تا: «ظرف یک سال ضمن بازنگری قوانین جزائی مرتبط با جرائم موضوع این قانون و بررسی خلأهای موجود، لایحه‌ای جامع با هدف پیشگیری مؤثر از وقوع جرم از طریق تناسب مجازات‌ها با جرائم، تدوین نماید و در اختیار دولت قرار دهد تا دولت با رعایت ترتیبات قانونی اقدام لازم را به عمل آورد.» اگر این لایحه شکلی نظام‌مند و متناسب آماده و به تصویب مجلس برسد می‌توان امیدوار بود که سیاست جنایی منسجم‌تری در مقابله با جرایم اقتصادی در نظام کیفری ایران شاهد باشیم.

### بند دوم: احراز منفعت و ارزش مورد حمایت قانون‌گذار

نظام اجتماعی بستر تعاملات میان افراد و گروه است که طرفین این روابط متقابل همواره خواهان حفظ برتری خود بر دیگری هستند. سیر طبیعی یک نظام اجتماعی بر مبنای تلاش برای مستولی شدن منافع فرد بر دیگران است و این تلاش طبیعی، مداخله هرگونه عامل ثالثی را برای نظم دادن آن منتفی می‌کند. اما با وارد شدن دولت در این معادله گاهی پیش می‌آید که دولت احساس می‌کند باید در تعاملات بین افراد و گروه‌ها نظارت داشته باشد و یا اینکه خود از طرفین ذینفع به شمار رود. بنابراین از ابزارهای حفظ نظم که به صورت انحصاری در اختیارش قرار دارد استفاده می‌کند. اما به دلیل محدود شدن آزادی‌ها و حقوق افراد، قانونگذار در وهله اول از تدابیر غیرکیفری استفاده می‌کند و حقوق کیفری را به عنوان آخرین راه حل به کار خواهد گرفت. بنابراین دولت باید در استفاده از حقوق کیفری به عنوان راه حلی برای رسیدن به ارزش‌های برتر اجتماعی، این ارزش‌ها را به وضوح مشخص کرده باشد و سپس اقدام به تعیین ضمانت اجرا برای ناقضان آن نماید. در نبود یک توجیه الزام آور در وضع قوانین کیفری همه مجازات‌ها ناقض

<sup>۱</sup> محمودی جانکی، فیروز، امنیت و نامنی از دیدگاه سیاست جنایی، نشریه دیدگاه‌های حقوقی، زمستان ۱۳۸۳ ص ۱۳۲.

حقوق افراد خواهد بود. محور و عقیده اصلی این نظریه آن است که جرم انگاری این دسته از رفتارها برای رسیدن به اهداف و ارزش‌های مورد حمایت دولت ضروری باشد و دقیقاً برای رسیدن به آن اهداف و ارزش‌ها طراحی شده باشد.<sup>۱</sup> در جرم انگاری اعمالی با عنوان جرم اقتصادی قانونگذار باید ابتدا مشخص کند که قصد حمایت از کدام یک از ارزش‌ها را دارد. آیا هدف وی حمایت از منافع دولت است یا حمایت از مالکیت فردی یا حفظ پایه‌های اقتصاد اسلامی و سپس بر اساس هدف مورد به جرم انگاری و تعیین مجازاتی پردازد که وی مستقیماً به این هدف می‌رساند. قانونگذار در قوانین و مقررات متعددی اقدام به جرم‌انگاری جرایم اقتصادی نموده است، اما آنچه که هیچگاه در صدد تعیین برنیامده است تعیین معیار و شاخصی است که بر اساس آن تشخیص داده است که رفتاری خاص به عنوان رفتار مجرمانه در قانون گنجانیده شود. برای مثال شاخص اخلال در نظام اقتصادی کشور چیست که موجب می‌شود یک بار احتکار در زمره این قانون مجازات شود و یک بار دیگر در قانون منع احتکار و بار دیگر در قانون تعزیرات حکومتی آورده شود. تمامی رفتارهایی که در قوانین نامبرده بالا جرم‌انگاری شده‌اند به نوعی فعالیت‌های ناسالم اقتصادی هستند اما از نظر ماهیت، موضوع جرم، میزان ضرر و زیان وارده، و شخصیت بزه دیده و مرتکب با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین قانونگذار باید در هر مورد با توجه به ویژگی‌های هر جرم اقدام به دسته‌بندی آن در گروه‌های جداگانه نماید. اقدام قانونگذار در جرم‌انگاری برخی اعمال تحت عنوان جرم اقتصادی بیشتر نوعی مهار موقتی بحران از طریق قهرآمیزترین و ساده‌ترین ابزار در دسترس بوده است. نگاهی به تاریخچه قوانین کیفری اقتصادی گویای این واقعیت است که قانونگذار در وضع این قوانین کاملاً متأثر از جریانات روز بوده است. اما این روند همچنان ادامه داشته و قانونگذار در تدوین این قوانین حتی نیم نگاهی به قوانین ماقبل خود نداشته است.

<sup>۱</sup> نقل از: روستایی، پیشین، ص ۱۴



برای مثال در جریان تصویب قنون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور یکی از موضوعات مورد اختلاف، تکراری بودن این مواد قانون بود اما در نهایت این ایراد مورد توجه قرار نگرفت. مهمترین علت وضع این قانون تنش‌ها و نوسانات اقتصادی و سیاسی حاکم بر آن دوره زمانی بود. زمان بازسازی پس از جنگ تحمیلی مشکلاتی که پس از زلزله رودبار پدید آمده بود، انحصار و احتکارهای عمده‌ای که در آن مقطع زمانی رخ داده بود و همچنین شیوع تأسیس شرکت‌های مضاربه‌ای که توانسته بودند با جمع کردن وجوه مردم به فعالیت‌ها و حرکاتی دست بزنند که دولت را در مضایقه قرار می‌داد.<sup>۱</sup> احراز منفعت و ارزش مورد حمایت قانون‌گذار در تعریف یک جرم و کشف اراده‌ی حقیقی قانون‌گذار از جرم‌انگاری، دارای اهمیت اساسی است. به عنوان مثال اگرچه موضوع سرقت و رشوه، مال و منفعت مالی است، اما به دلیل آن که ارزش مورد حمایت قانون‌گذار در سرقت، حمایت از مال یک‌افراد و در رشوه، حفظ اعتماد جامعه نسبت به دولت و کارمندان آن می‌باشد، هر یک از این جرایم را در دسته‌بندی جدا از دیگری قرار داده که دارای آثار و تبعاتی، از جمله دارای تفاوت در آیین رسیدگی یا شدت و ضعف در مبارزه یا پیشگیری است.<sup>۲</sup> مثال دیگر در حقوق کیفری ایران، اختلاس نسبت به اموال دولتی و خیانت در امانت نسبت به اموال غیر دولتی است. در حالی که نحوه‌ی عمل در هر دو، یکی است و آن عبارت است از سوءاستفاده از موقعیت امانی و دخل و تصرف در مال مورد امانت، اما ارزش مورد حمایت مقنن در اول به لحاظ دخالت مستخدم دولت و سوءاستفاده از اعتماد، دارای حساسیت و عکس‌العمل شدیدتری است. این موضوع است که به نظر می‌رسد به شدت از سوی قانونگذار در احصا جرم اقتصادی رعایت شده است به جز جرم کلاهبرداری تمامی ۱۳ مورد مصادیق جرم اقتصادی که قانونگذار در تبصره ماده ۳۶ قانون جدید مجازات احصا نموده است در زمره

<sup>۱</sup> روزنامه رسمی، ۱۳۶۹ ص ۲۸

<sup>۲</sup> ولیدی، محمد صالح؛ حقوق جزای اختصاصی، ج ۲، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲ ص ۴۴

مجازات‌هایی است که علیه اموال دولتی و عمومی یا علیه نظام اقتصادی کشور ارتکا می‌یابند و اعتماد عمومی به دولت را دچار خدشه می‌کنند. لذا در جرم اقتصادی، ارزش و منفعت مورد حمایت، موجب تفکیک جرایم اقتصادی از جرایم مالی است. ایراد گرفته شده است که با توجه به عدم تعریف جرم اقتصادی، احراز موضوع و ارزش مورد حمایت قانونگذار ممکن نیست.<sup>۱</sup> در پاسخ باید گفت جرم اقتصادی، واقعیت دنیای امروز است و برای اعمال سیاست جنایی مناسب و کارا در مقابل آن، قبل از هر چیز نیاز به شناسایی آن است. احراز منفعت یا ارزش مورد حمایت در جرم انگاری یک عمل، گاه مربوط است به «آنچه هست» که آن را از لحن قانون‌گذار، روح قانون، سابقه و شرایط تصویب یک ماده‌ی قانونی احراز می‌کنیم. البته در جرم انگاری، الزاماً نباید به دنبال یک ارزش باشیم که مقتن به دنبال حمایت از آن بوده است، مانند زمانی که قانونگذاری با تصویب یک قانون در صدد بیان توجه خود به یک موضوع در مقابل مخاطبان آن قانون بوده است، حالت دیگر آن است که ارزش مورد حمایت قانون‌گذار در زمان اجرای قانون، فاقد موضوعیت بوده، اهمیت خود را از دست داده و به صورت قانون متروک درآید. گاه احراز مصلحت و ارزش مورد حمایت، مربوط است به «آنچه باید باشد». بحث ما در مورد جرایم اقتصادی چنین است. با استفاده از زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی، سه موضوع را می‌توان به عنوان منفعت مورد حمایت در جرایم اقتصادی مورد توجه قرار داد:

## الف- حمایت از بزه دیده

امروزه حمایت از بزه دیده مورد توجه جرم‌شناسی و حقوق کیفری قرار گرفته است. بزه دیده، شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم، به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد. واژه‌ی بزه‌دیده، در بردارنده‌ی بزه‌دیدگان

مستقیم و غیرمستقیم است.<sup>۱</sup> کاسن<sup>۲</sup> بر اساس ضابطه‌ی «بزه‌دیده»، به تقسیم‌بندی انواع جرایم اقتصادی پرداخته و آنها را به شش دسته‌ی زیر تقسیم می‌نماید.<sup>۳</sup>

۱- بزه‌دیدگان جرایمی که مرتکبان آن‌ها، سرمایه‌گذاران اقتصادی و شرکای وی هستند و عبارتند از سهامداران یک شرکت و ماموران وصول مالیات. گروه دیگر از این دسته، کسانی هستند که در هنگام انتقال سرمایه از یک سرمایه‌گذار اقتصادی به دیگری، ممکن است در اثر تقلب در انتقال سهامی که دارای ارزش پایین یا اساساً بی ارزش است، متضرر شوند. بزه‌دیدگان این جرم را نیز سهامداران یا ماموران وصول مالیات تشکیل می‌دهند.

۲- اعمالی که موجب ورود ضرر به بستانکاران شرکت یا بنگاه اقتصادی می‌شود، مانند ورشکستگی، اعم از به تقصیر یا به تقلب. بزه‌دیدگان این جرم ممکن است ماموران وصول مالیات و بستانکاران یک شرکت، که شامل مستخدمان آن شرکت نیز می‌شود، باشند. این قسمت شامل تخلف سرمایه‌گذار از مقررات مربوط به پرداخت حقوق و دستمزد، همچنین سوء عملکرد وی در خصوص شرایط محیط کار از لحاظ ایمنی و بهداشت کار است و موجب در معرض خطر قرار گرفتن تمامیت جسمانی ایشان می‌گردد.

۳- اعمالی که مصرف‌کنندگان کالا و خدمات از آنها متضرر می‌شوند و به دلیل غیر استاندارد بودن کالا و موارد دیگر، بزه‌دیده واقع می‌شوند.

۴- اعمالی که بزه‌دیدگان آن‌ها شامل رقبای یک فعالیت اقتصادی می‌باشند. مانند تبلیغات علیه شرکت رقیب.

<sup>۱</sup> رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳، ص ۱۶

<sup>۲</sup> kasen

<sup>۳</sup> نقل از دادخدایی، ۱۳۸۹، ص ۶۰



۵- اعمال مربوط به مقررات حمایت از محیط زیست در عرصه‌ی اقتصادی مانند آلودگی های ناشی از فعالیت های صنعتی.

۶- دسته‌ی آخر از بزه دیدگان، عبارت از سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی می‌باشند که در جرایم مربوط به انواع مختلف برداشتن کالا از مغازه، کلاهبرداری یا چک و کارت های اعتباری، کلاهبرداری مربوط به بیمه یا جرایم کامپیوتری متضرر می‌گردند.

### ب- توجه به موضوع جرم

قبل از هر چیز باید یادآوری کرد که «موضوع» جرم و «بزه‌دیده» از جرم، دو مبحث متفاوت هستند که برخی موارد بر یکدیگر منطبق می‌شوند. به عنوان مثال موضوع جرم قتل، همان بزه دیده است، اما در جرایم علیه اموال، موضوع جرم، «مال» است و «بزه دیده»، «مالک» یا متصرف آن می‌باشد. برخی، جرم اقتصادی را از دیدگاه «موضوع» مورد بحث قرار داده اند.<sup>۱</sup> اگر به جرایم اقتصادی از بعد موضوع جرم نگاه کنیم، آن چه جرم اقتصادی را می‌سازد، موضوع آن خواهد بود. جرایم مربوط به بورس و اوراق بهادار، برخی موارد جرایم رایانه ای، تقلب در حساب های یک شرکت یا بنگاه تجاری، صنعتی یا مالی جرایمی هستند که به اعتباری، تعرض به موضوعات آنها از قبیل بورس و اوراق بهادار، رایانه و سیستم حسابداری جرم اقتصادی محسوب می‌گردد. عده ای که جرم تجاری را با جرم اقتصادی مترادف م‌یدانند، جرم تجاری را هنگامی محقق می‌دانند که «تجارت»، موضوع یک رفتار مجرمانه‌ی اساسی قرار گیرد. به عنوان مثال، به «معامله‌ی مجرمانه ۱» اشاره شده است.<sup>۲</sup> معامله مجرمانه، هنگامی است که اعضای داخلی یک شرکت از جمله مدیران، بازرسان و حسابداران آن، با استفاده از اطلاعات پنهانی مربوط به آن شرکت، به نفع

<sup>۱</sup> نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴ ص ۱۹

<sup>۲</sup> دادخدایی، ۱۳۸۹، پیشین، ص ۵۱.



خود معامله میکنند در حالی که برای دیگران امکان دسترسی یا استفاده ی از آن اطلاعات وجود ندارد. نکته‌ی قابل توجه این که صاحب‌نظران در خصوص جرم بودن معامله ی محرمانه، اتفاق نظر ندارند. عده‌ای بر این عقیده‌اند که معامله‌ی محرمانه، پاداشی برای زحمات مدیران در یک شرکت است که در آنها انگیزه‌ی تلاش بیشتر را ایجاد می‌کند. بنابراین، جرم انگاری معامله‌ی محرمانه نه تنها زحمات مدیران را نادیده می‌گیرد، بلکه انگیزه‌ی آن‌ها را در انجام امور کاهش می‌دهد. عده‌ای دیگر پیش بینی چنین امتیازی را برای مدیران عادلانه نمی‌دانند؛ زیرا، به ایجاد موقعیتی نابرابر میان مدیران شرکت و سایرین در استفاده از اطلاعات داخلی می‌انجامد.<sup>۱</sup> راه حل میانه‌ای که برخی مطرح نموده‌اند، این است که باید میان معاملات کلان و معاملات جزئی، قائل به تفکیک شد و تنها معاملات محرمانه در سطح مهم و کلان را قابل مجازات دانست. در حقوق ایران، به موجب بند ۲ ماده‌ی ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴ معاملات محرمانه، واجد وصف مجرمانه است؛ به گونه‌ای که مرتکبان به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال، یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده، یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد. هم چنین به موجب تبصره‌ی ۱ همان ماده، اشخاص زیر به عنوان اشخاص دارای اطلاعات نهانی شرکت شناخته می‌شوند:

الف) مدیران شرکت شامل اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل و معاونان؛

ب) بازرسان، مشاوران، حساب‌رسان، حسابداران و وکلای شرکت؛

ج) سهامدارانی که به تنهایی یا به هم راه افراد تحت تکفل خود بیش از ده درصد سهام شرکت را در اختیار دارند یا نمایندگان آنان؛

<sup>۱</sup> دادخدایی، پیشین، ص ۵۱.

د) مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره و مدیران مربوط یا نمایندگان شرکت های مادر (هلدینگ) که مالک حداقل ده درصد سهام یا دارای حداقل یک عضو در هیأت مدیره شرکت سرمایه پذیر باشند؛

ه) سایر اشخاصی که با توجه به وظایف، اختیارات، یا موقعیت خود، به اطلاعات نهانی دسترسی دارند. تعریف جرم اقتصادی بر مبنای موضوع آن، بدون در نظر گرفتن و توجه به سایر عوامل، تعریفی جامع و دقیق نخواهد بود؛ زیرا، جرم اقتصادی همیشه بر پایه ی موضوع آن قابل تعریف نیست و گاه عامل وسیله، بزه دیده یا عوامل دیگری در این میان نقش اساسی خواهند داشت.

### ج- حمایت از نظم و مدیریت اقتصادی

آخرین ضابطه در جرایم اقتصادی عبارت است از حفظ نظم در مدیریت و فعالیت های اقتصادی جامعه. دولت (در مفهوم عام خود) برای نظام بخشیدن به امر تولید و توزیع کالا و خدمات، حمایت از مصرف کننده، قیمت گذاری، حمایت از تولیدکننده، بورس و اوراق بهادار، ایجاد رقابت مشروع، صادرات و واردات، حفظ محیط زیست، حفاظت و ایمنی کالا و خلاصه هر آن چه لازمی وجود یک اقتصاد سالم در کشور است، ناچار به تنظیم نظامات، مقررات و قواعدی است که عدم رعایت آن ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم، آنی یا در طول زمان، موجب ورود لطمه به نظم اقتصادی و اخلال در آن می شود. در این فرض، لازم نیست مرتکب یا موضوع بزه دیده ی جرم، الزاماً شرکت یا یک بنگاه تجاری، صنعتی و مالی باشد. یک فروشنده ی دوره-گرد هم می تواند مرتکب جرم اقتصادی شود؛ زیرا وی نیز در محدوده ی فعالیت اقتصادی خود مکلف به رعایت پاره ای مقررات است که نقض و عدم رعایت و در یک نظم اقتصادی ایجاد خلل می نماید. عدم رعایت و نقض این قوانین و مقررات در سطح کلان، موجب ضربه به اقتصاد ملی خواهد شد. در حال حاضر نیز نظارت دولت در یک سطح معقول، برای حفظ نظم اقتصادی را



ضروری دانسته اند.<sup>۱</sup> در ایران، ضربه‌زندگان به اقتصاد ملی، یا به عبارت دیگر اقتصاد کلان جامعه، دارای مجازات‌های سنگین و تحت شرایطی تا حد اعدام می‌باشند. به عنوان مثال مطابق ماده‌ی ۵۲۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، جعل هرگونه اسکناس رایج داخلی یا خارجی، اسناد بانکی یا اوراق بهادار صادره از بانک‌ها و خزانه، در صورتی که به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی و یا اقتصادی باشد و نیز ورود اسناد معجول فوق به کشور با علم به معجول بودن آن‌ها، در حالت عادی مستوجب مجازات تا بیست سال حبس و در صورت وجود کیفیات مشدده، مجازات اعدام است. همچنین قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، با بیان مصادیق اخلال در نظام اقتصادی، رسیدگی به آنها را در صلاحیت دادگاهی اختصاصی قرار داده است؛ این دادگاه مکلف است فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی کند. مطابق تبصره‌ی ۵ ماده‌ی ۲ این قانون، هیچ یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق، تخفیف و یا تعطیل نمی‌باشد. با این که در نظام حقوقی ایران، شرط مسئولیت معاون، تحقق فعل مجرمانه‌ی اصلی است و لذا ترک فعل را شامل نمی‌شود، به موجب تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۲ مذکور، شخصی که با سکوت خود و عدم گزارش مراتب به مقامات، موجب تسهیل در ارتکاب جرم گردد، معاون جرم محسوب می‌شود. از جمله دلایل شدت عمل قانون‌نگذار در این قانون، شرایط حاکم بر اقتصاد کشور پس از دوران جنگ، تحریم‌ها و دولتی بودن اقتصاد ایران است.

### بند سوم: استفاده از مجازات‌های هرمی

قانونگذار ضمانت اجرای کیفری را به عنوان تنها ضمانت اجرای موجود در زمینه جرایم اقتصادی به کار برده است و ضمانت اجرای تدریجی (هرمی) در این قوانین جایگاه محدودی دارد. تنها شیوه تعیین ضمانت اجرای مرحله‌ای در این قوانین حالتی است که اگر اقدام فرد

<sup>۱</sup> همان ص ۵۳.

مرتکب، به قصد براندازی حکومت و مقابله با نظام باشد، مجازات فرد مجازات مرتکب خواهد بود. برای مثال قانونگذار در ماده ۱ قانون مجازات اخلا لگران اقتصادی مصوب ۱۳۶۸ آمده است: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.» نظیر این حکم در ماده ۵۲۶ قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ نیز آمده است. ضمانت اجرای هر می باید مجموعه ای از ضمانت اجرای مدنی - کیفری باشد. تفاوت های بسیاری میان فرایندهای کیفری و مدنی وجود دارد که این تفاوت ها هم در خود فرایند و هم در نتایجی است که به دنبال دارد. شاید مهم ترین تفاوت بین آن دو ، نتایج حاصله از محکومیت کیفر جزایی است. نتیجه یک محکومیت جزایی برای افراد بسیار شدیدتر از شرکت ها است نه تنها به این دلیل که مجازات حبس در خصوص شرکت ها قابل اجرا نیست بلکه به دلیل نتایجی است که حکم محکومیت کیفری از خود به جا می گذارد ، مانند محرومیت از حقوق اجتماعی نظیر تصدی مدیریت شرکت، به علاوه رسوایی ناشی از محرومیت کیفری برای افراد سنگین تر است. ضمانت اجرای کیفری به تشریفات طولانی و پیچیده برای محکوم کردن افراد نیاز دارند و میزان کمتری از ضرر و زیان را جبران خواهند کرد. فیس در الگویی که پیشنهاد می دهد ضمانت های مدنی و کیفری هر دو را مجاز می شمرد. اما حقوق کیفری را تنها برای جرایم شدیدتر تجویز می کند. و پیشنهاد می دهد که بیشتر از کنترل های درونی شرکت یا سازمان استفاده شود. در ایران تنها موردی که طی آن شاهد ضمانت اجرای هر می هستیم قانون تعزیرات حکومتی است. در این قانون برای انواع تخلفات اقتصادی قانونگذار دست کم چهار مرحله ضمانت اجرا در نظر گرفته است و در هر مرحله با تکرار جرم و افزایش





میزان خطرناکی بزهکار اقدام به تشدید مجازات به نسبت جرم ارتكابی نموده است و برای مثال در خصوص جرم احتکار این حرم به شکل زیر است:

در مرتبه اول- الزام به فروش کالا و اخذ جریمه معادل ۱۰ درصد ارزش کالا

در مرتبه دوم: فروش کالا توسط دولت و اخذ جریمه از ۲۰ تا ۱۰۰ درصد ارزش کالا

در مرتبه سوم: فروش کالا توسط دولت، اخذ جریمه از یک تا سه برابر ارزش کالا، قطع تمام یا قسمتی از سهمیه و خدمات دولتی تا شش ماه و نصب پارچه در محل واحد به عنوان محتکر.

در مرتبه چهارم- مجازات مرحله سوم+ لغو پروانه واحد و معرفی از طریق رسانه های گروهی به عنوان محتکر.

مزیت این شکل از ضمانت اجرا، امکان متناسب ساختن مجازات در هر مرحله از فعالیت بزهکارانه و از این طریق افزایش کارایی ضمانت اجراهاست.

قانون جدید مجازات اسلامی در خصوص جرایم اقتصادی هر چند ضمانت های اجرایی متنوعی در نظر گرفته و از تشهیر آنها از طریق نشر در روزنامه کثیرالانتشار (تبصره ماده ۳۶) گرفته تا محرومیت از تسهیلات مقرر در قانون برای مجرمین عادی (محرومیت از تعلیق و تعویق و مرور زمان) را در نظر رگفته است اما از تعیین ضمانت اجرای هر می در قانون جدید مجازات های اسلامی و قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ خودداری شده است. در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ نیز مجازات های مقرر به صورت هر می تعیین نشده است. تنها در یک مورد تکرار جرم مستوجب تشدید مجازات دانسته شده است (بند ۲-۳ از شق ب ماده ۵).

### بند چهارم: بازدارنده بودن مجازات ها

یکی از ساز و کارهای پیشگیری اقدام از طریق کاهش موقعیتهای جرم زا و شرایط ارتكاب جرم می باشد. در این فرایند توجه به شرایط و امکانات ادارات و سازمان های دولتی بسیار مثر ثمر

خواهد بود. قطعاً در جایی که نظارت دقیق و وجود حسابرسان و بازرسان مسلط و مجرب در سازمان های دولتی و اداری که به امر نظارت در امور مالی نهاد مربوطه می پردازند، وجود دارد و این نظارت نیز به اطلاع و آگاهی کارمندان رسیده است، یقیناً کارمندانی که تمایلات بالقوه ای نیز در زمینه ارتکاب جرایم مالی نظیر ارتشاء و اختلاس دارند، با درک موقعیت و دانستن این امر که با کوچک ترین تخلفی دست آنها رو خواهد شد و مجازات های سنگین و از دست دادن شغل و موقعیت در انتظار آن هاست، سراغ ارتکاب جرم نخواهند رفت. بدین ترتیب با کمترین هزینه ها، به گوشه ای از نتایج مطلوب و دلخواه خواهیم رسید. آگاهی دادن به عموم مردم<sup>۱</sup> و شناساندن امکان ارتکاب جرایم اقتصادی و فساد مالی در موقعیت های مختلف جرم را نیز می تواند از طرق بالا رفتن سطح اطلاعات عمومی نوعی مبارزه غیرمستقیم و مؤثر با عوامل جرم را محسوب گردد. یکی دیگر از بحث هایی که از نظر جرم شناختی تأثیرات غیرقابل انکاری در پیشگیری از وقوع جرایم دارد، افزایش هزینه های ارتکاب جرم برای مجرمین است. بدین توضیح که با عنایت به این که مجرم انسانی متفکر و حسابگر می باشد و بنابر اصل حسابگری جزایی بنتمام، قبل از ارتکاب جرم تمامی زمینه های مثبت و منفی و منافع و خطرات ارتکاب جرم را می سنجد<sup>۲</sup> و علی الخصوص در جرایم اقتصادی که انگیزه های مالی محرک و مشوق اصلی مرتکب می باشد، می توان از طریق وضع مجازات های سنگین مالی و غیرمالی نظیر جزای نقدی، مصادره و ضبط اموال بی ش از عواید احتمالی ارتکاب جرم و حبس های طولانی مدت که توان فعالیت مجرمانه را از شخص می گیرد، به برخورد با این گونه جرایم برخورد تا شخصی که تمایلات بالقوه ارتکاب چنین جرایمی را دارد با سنجیدن خطرات و منافع جرم و رسیدن به این نتیجه که خطرات ارتکاب جرم چه از نظر امکان بالای دستگیری و یا مجازات های سنگین، بیش از احتمال ارتکاب موفقیت آمیز



<sup>۱</sup> ماده ۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی مصوب ۲۰۰۳ مریدا.

<sup>۲</sup> پرادل، ژان؛ تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، صص ۶۱ و ۶۲



و دستیابی به عواید حاصل از جرم است، از ارتکاب آن منصرف گردد. تأمین نیازمندی‌های عمومی افراد جامعه و تأمین شغل و مبارزه با بیکاری و فقر نیز می‌تواند از وقوع جرایم اقتصادی جلوگیری نماید. زیرا درجایی که شخص در رفاه نسبی قرار دارد و نیازهای عمومی وی برطرف شده است، معمولاً کمتر سراغ جرایمی نظیر ارتشاء، اختلاس و... می‌رود. در وضع قوانین نیز توجه به فرهنگ و آداب و رسوم جامعه و سطح درآمد افراد بسیار مهم و مؤثر در کاهش ارتکاب جرایم است. به عنوان مثال در جامعه‌ای که از سطح درآمد پایینی برخوردار است و رونق اقتصادی حاکم نیست، طبیعتاً وضع قانونی که مالیات را افزایش دهد، خود موجب افزایش ارتکاب جرایم مالیاتی که گونه‌ای از جرایم اقتصادی به شمار می‌روند، می‌شود. در بحث تطبیق یا عدم تطبیق قوانین ایران با یافته‌های جرم‌شناسی نیز لازم به ذکر است که با بررسی قوانین تعزیری پس از انقلاب ملاحظه می‌گردد در عمل با توجه به پیشرفت‌های جرم‌شناسی در دهه‌های اخیر و توسعه آن در کشور ما در مقایسه با قبل از انقلاب، آنچه مورد انتظار حقوقدانان بوده تحقق نیافته است.<sup>۱</sup> بنابراین در یک اظهار نظر کلی باید اذعان نمود که جایگاه جرم‌شناسی پیشگیری به عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی (با هدف شناخت علل جرم و از بین بردن زمینه‌های بروز آن) در سیاست جنایی کشور ما مبهم بوده و تمایل به حقوق کیفری (سیاست کیفری) به جای سیاست پیشگیری، از مشخصه‌های قانون‌گذار ایران است. بنابراین پیشگیری به عنوان یک اصل فراموش شده تاکنون ظهور و بروز جدی در قوانین نداشته و سازمانی رسمی یا غیر رسمی متکفل آن نشده است. گرچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با قرار دادن وظیفه پیشگیری به عهده قوه قضائیه در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی بارقه‌امیدی را جهت احیای این اصل کاربردی جرم‌شناسی ایجاد کرد، اما عملاً تلاش جدی در زمینه پیش‌گیری وضعی از جرایم اقتصادی تنها در قانون ارتقا

<sup>۱</sup> شیخ الاسلامی، عباس؛ "جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران"، علوم جنایی (مجموعه

سلامت نظام اداری به ثمر نشست و نه در زمینه تعیین مجازات‌های بزدارنده پراکندگی قوانین و عدم انسجام مقررات کیفری یک چالش عمده است. لذا همانطور که مورد انتقاد قرار گرفته است<sup>۱</sup> تلاشی در این جهت دیده نشده است و عملاً سیاست جنایی منسجم و اصولی در این باب ملاحظه نمی‌گردد.

### بند پنجم: حتمیت و قطعیت مجازات

از دید رویکرد بازدارندگی مجازات، آنچه ضامن نقش پیشگیرانه‌ی کیفرهاست، حتمیت و قطعیت یا به عبارتی اطمینان جامعه از اجرای مجازات‌هاست، یعنی باور به این مطلب که احساس ترس از ارتکاب جرم را می‌توان با حتمی جلوه دادن مجازات، بیش از برپا کردن نمایش‌های مخوف ولی زودگذر در اذهان مردم برانگیخت.<sup>۲</sup> به طوری که بکاریا با پیروی از اندیشه مونتسکیو در روح‌القوانین می‌نویسد: «این شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می‌کند، بلکه حتمی و قطعی بودن مجازات است که می‌تواند از جرم‌های آینده جلوگیری کند»<sup>۳</sup> و در همین رهگذر وی به مخالفت جدی با نهاد عفو پرداخته و الغای آن را عاملی بس تأثیرگذار در رنج‌آور ساختن مجازات می‌داند، در همین راستا بنتام نیز با گسترش دیالکتیک «امنیت - حتمیت» پیشگیری از جرایم را در گروهی افزایش درجه حتمی بودن مجازات‌ها می‌داند.<sup>۴</sup> و به همین خاطر است که بکاریا به دنبال عدم اعتماد به قضات، اعتقاد به تعیین مجازات‌های ثابت و یکسان دارد چرا که وی نظام مجازات‌های ثابت را اکسیری بازدارنده می‌داند، یعنی بر این باور است که مجازات باید با جرم و نه با فرد تناسب داشته باشد که بعدها بنتام به مخالفت با مقوله‌ی ثبات مجازات‌ها پرداخته و

<sup>۱</sup> همان؛ صص ۴۹۳ و ۴۹۴

<sup>۲</sup> اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۳۹

<sup>۳</sup> مونتسکیو، پیشین، ص ۲۹۶

<sup>۴</sup> پردل، ژان، پیشین، ص ۶۲

رویه‌ی فردی ساختن کیفرها را در پیش گرفته است.<sup>۱</sup> چرا که در واقع مبتنی کردن یک نظام بر آزادی اراده، به معنای برابری درجه مسوولیت اخلاقی افراد با یکدیگر نیست.<sup>۲</sup>

### بند ششم: ایجاد آیین دادرسی ویژه، مراجع قضایی تخصصی

طبق نظریه‌ی بازدارندگی در صورتی که خواهان کاربرد کیفر به عنوان مانعی مؤثر در برابر آماج جرم باشیم، اعمال این نهاد کیفری باید با وقوع جرم چندان فاصله‌ای از نظر زمانی نداشته باشد، زیرا در غیر این صورت تصوّر لازم میان جرم و کیفر در اذهان به سستی گرائیده<sup>۳</sup> و پیوند و ارتباط میان آن دو قابل درک و لمس نخواهد بود، لذا اطالهی فرآیند دادرسی که موجبات وقفه میان جرم و مجازات را فراهم می‌آورد، نه تنها نقش ارعابی کیفرها را از میان می‌برد، بلکه خود، مشوقّ بزهکاری است. بدین معنا که بازدارندگی در رویکردی هنجار محور خواستار تقویت ارزش‌هایی معین است و در همین راستا در یک بخش به مجازات متوسّل شده و در بخش دیگر دست به دامان تهدید به مجازات متخلف است.<sup>۴</sup> لذا یکی از ابزارهای مورد نیاز برای اجرایی کردن اصل سرعت و حتمیت در واکنش به جرایم فساد آمیز و مفسد اقتصادی، وجود آیین دادرسی خاص و دادگاه‌های تخصصی است. هر چند امروزه در حقوق داخلی بحث مربوط به آیین دادرسی ویژه جرایم اقتصادی مطرح است و در بعضی حوزه‌های قضایی نیز مجتمع قضایی تحت عنوان «ویژه جرایم اقتصادی» و «دادگاه رسیدگی به مفسد اقتصادی» دادرسی ویژه از جمله «برای حفظ حقوق بیت المال» و «ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی» «دادرسی ویژه رسیدگی به جرایم پول شویی» و

<sup>۱</sup> همان، ص ۶۴

<sup>۲</sup> لازرژ، پیشین، ص ۴۷.

<sup>۳</sup> بکاریا، پیشین، ص ۱۷

<sup>۴</sup> فریدمن، لارنس، بازدارندگی، ترجمه روح الله طالبی آرانی و عسگر قهرمان پور، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان

قدس رضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۶.



غیره تشکیل شده است. این امر در واقع امر از باب تقسیم وظایف است که هر چند در جلوگیری از اطاله دادرسی و تسریع در دادرسی بی تأثیر نیست اما به طور قانونی در حال حاضر آیین دادرسی ویژه فساد و مفساد اقتصادی که در آن وجود دادگاه‌های تخصصی نیز پیش بینی شده باشد، وجود ندارد. با توجه به حساسیتی که موضوع جرایم اقتصادی از حیث ضربه به کیان اقتصادی و ضربه به اعتبار دولت و تخریب کارکردهای اداری و اقتصادی دارد وجود ساز و کار قانونی برای تسریع مطلوب و تخصص در رسیدگی دارای اهمیت است. زیرا اطاله رسیدگی علاوه بر اینکه ممکن است ناشی از فساد باشد خود موجب و محملی برای فساد است (مانند ارتشا به منظور جلوگیری از اطاله) لذا باید کوشید تا چنین جرایمی را در دادگاه‌های ویژه مورد رسیدگی قرار داد. با این حال نباید در فقدان آیین دادرسی ویژه جرایم اقتصادی اغراق نمود. به ویژه با توجه به قانون ارتقاء سلامت نظام اداری که اخیراً اجرایی گردیده است و در آن دادگاه‌های تخصصی ویژه با آیین دادرسی ویژه تعیین گردیده است که به صورت هیئت سه نفره متشکل از قضات مجرب به رسیدگی و صدور حکم می‌پردازند و رأی آنها قطعی اعلام شده است. هر چند این دادگاه ویژه تنها به جرایم اقتصادی کارمندان دولت و مؤسسات عمومی رسیدگی می‌کند اما بسیاری از جرایم اقتصادی را پوشش می‌دهد و بعلاوه در این رابطه قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن نیز قابل توجه هستند که می‌توانند مکمل محسوب شوند. در باب تسریع در رسیدگی تبصره ۴ ماده مذکور مرجع تجدیدنظر را مکلف کرده است حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده‌های موضوع تبصره ۳ ماده ۱۸۸ رسیدگی و حکم صادر نماید. در غیر این صورت و با تأخیر بدون عذر موجه، قضات شعبه رسیدگی کننده به مجازات انتظای از درجه ۴ به بالاتر محکوم می‌گردند. جرایم موضوع تبصره ۳ عبارتند از اختلاس، ارتشا، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، سوء استفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

فصلنامه مطالعات فقهی - حقوقی - دینی - شماره چهارم، بهار ۱۳۹۸

۷۰

گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرایم علیه حقوق مالی دولت. نکته قابل ذکر آنکه لازم بود تا قانونگذار به منظور تسریع در رسیدگی، این مطلب را در خصوص قضات سایر مراجع قضایی نظیر دادسرا و دادگاه بدوی نیز تصریح می‌کرد. چرا که معمولاً این مسأله از ناحیه ایشان چه بسا بیشتر مبتلابه باشد. با وجود این قوانین الزام آور پراکنده که قوه قضائیه را ملزم مینمود به جرایم اقتصادی با نگاه ویژه ای رسیدگی نماید در قانون اخیر التصویب ارتقا سلامت نظام اداری به قوه قضائیه تکلیف شده است ظرف یکسال ضمن بازنگری قوانین جزائی مرتبط با جرایم موضوع این قانون و بررسی خلاء های موجود لایحه ای جامع با هدف پیشگیری مثر از وقوع جرم از طریق تناسب مجازات‌ها با جرایم تدوین نماید و در اختیار دولت قرار دهد تا دولت با رعایت ترتیبات قانونی اقدام لازم را به عمل آورد. (شق الف ماده ۱۱) همچنین در شق ب ماده مزبور قوه قضائیه مکلف شده است ظرف یکسال لایحه جامعی مربوط به رسیدگی به جرایم مربوط به مفاسد اقتصادی و مالی مدیران و کارکنان دستگاه های دولتی و عمومی که به سبب شغل و یا وظیفه مرتکب می شوند شامل تشکیلات، صلاحیت ها، آیین دادرسی و سایر موضوعات مربوط تهیه کند و به دولت ارائه دهد تا اقدامات قانونی را معمول دارد.

## نتیجه گیری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نتایج این مقاله حاکی از این است که: *پژوهشگاه علوم انسانی*

۱- آن دسته از جرایم مالی که در ادبیات حقوقی مسئولان کشوری با عنوان فساد اقتصادی یا فساد اداری کاربرد فراوانی یافته است و موضوع تحقیق حاضر قرار گرفته است، تحت دسته بندی کلی «جرایم اقتصادی» در قانون مجازات اسلامی جدید وارد شده و در مواردی احکامی خاص بر آنها بار شده است. اما قانونگذار در این قانون سنگ بنای اول در مبارزه با جرایم اقتصادی را بر ابهام بنا نهاده است. دلیل این ابهام اینست که جرایم اقتصادی احصا نشده اند و در عین حال در

ماده ۴۷ قانون مجازات جدید، قانونگذار بدون اینکه، جرایم مشمول این دسته بندی را در جایی صراحتاً احصا نموده باشد یا معیاری برای شناخت آن بدست داده باشد از اصطلاح «جرایم اقتصادی» استفاده کرده و حکم مهمی بر آن بار کرده است: جرایم اقتصادی با موضوع جرم ... قابل تعویق و تعلیق نیست. واقعیت اینست که نحوه کاربرد اصطلاح «جرایم اقتصادی» مبهم بوده و جای تفسیر را باز می‌گشاید. دکترین حقوقی نیز در این زمینه تعریفی واحدی بدست نمی‌دهد و این موضوع در ادبیات حقوقی به شدت محل اختلاف است. پس قانون در این زمینه مبهم است و قانون مبهم نیز فساد زا است. تفسیر نگارنده اینست که قانونگذار در تبصره ماده ۳۵ و همچنین بند ت ماده ۱۰۹ قانون جدید مجازات اسلامی این جرایم را احصا نموده است که شامل جرایم سیزدگانه مندرج در تبصره مذکور است بعلاوه قانونگذار جرم کلاهبرداری را نیز در ماده ۱۰۹ به این فهرست اضافه کرده است. لذا مصادیق جرایم اقتصادی به همان چهارده مورد منحصر است. وقتی قانونگذار در بند ج ماده ۴۷ از اصطلاح جرایم اقتصادی به صورت مطلق استفاده کرده است، به زعم خود در جایی جرایم مشمول این دسته‌بندی را تعیین کرده است. با این تفسیر مضیق، مجرمین جرایم مهمی همچون تحصیل مال از طریق نامشروع، جعل، استفاده از سند مجعول و سرقت با هر میزان از موضوع جرم مشمول محرومیت از تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات نیستند مگر اینکه به لحاظ درجه‌بندی مجازات‌ها از این حق محروم شوند.

۲- با در نظر گرفتن مفاد سه ماده ۳۵، ۴۷ و ۱۰۹ قانون جدید می‌توان گفت، قانونگذار، جرایم اقتصادی را به لحاظ میزان ربالی موضوع جرم در آنها به جرایم خرد، متوسط و کلان دسته بندی کرده است. جرایم خرد اقتصادی آنهایی هستند که موضوع جرم در آنها کمتر از یکصد میلیون ریال باشد. جرایم متوسط اقتصادی جرایمی هستند که موضوع جرم در آنها بین یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال باشد و در نهایت جرایم کلان به جرایم اقتصادی با موضوع جرم بیش از یک

میلیارد ریال اطلاق شده است. این دسته بندی تا حدودی به ما کمک می کند در سایر مقررات پراکنده جزائی در خصوص جرم انگاری جرایم اقتصادی نیز آن را به کار ببریم. مثلاً در قانون مجازات اخلاصگران نظام اقتصادی کشور، قانون مجازات محکومین و .. که قانون گذار در آنها بدون دست دادن معیار یا تعریفی از اصطلاح «عمده»، «کلان» و غیره استفاده کرده است و بر مرتکبین چنین جرایمی احکام خاص بار کرده است استفاده شود. در این صورت ملاک عمده و کلان بودن جرم اینست که موضوع جرم آن بیش از یک میلیارد ریال باشد. یک اشکال عمده این تفسیر البته اینست که اگر به ضرر متهم باشد، تفسیری موسع است و قابل پذیرش نخواهد بود.



## منابع و مآخذ

۱. آشوری، م، آیین دادرسی کیفری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوازدهم، تابستان ۱۳۸۶
۲. آقازاده، ع؛ بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا، چاپ اول، انتشارات آریان، تهران ۱۳۸۴
۳. بکاریا، س. رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۴.
۴. پرادل، ژ. تاریخ اندیشه های کیفری، مترجم، علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، ۱۳۸۱
۵. پیمانی، ض ؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۰.
۶. توسلی زاده، ت، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
۷. تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری (، چاپ اول ؛ انتشارات سمت ، تهران ۱۳۸۳.
۸. صلاحی، ح، کیفرشناسی و دیدگاه های جدید، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۶.
۹. عباس زادگان، س ، فساد ادراي، تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۰. ع شماوی، س. مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، ترجمه حسین نصراللهی و سید عیسی حسینی، تهران: انتشارات ناجا،
۱۱. گسن، ر. مقدمه ای بر جرم شناسی ، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران: انتشارات مترجم، ۱۳۸۳.
۱۲. لازرژ، ک. سیاست جنایی ، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی ، چاپ اول ، تهران : انتشارات یلدا، ۱۳۷۵
۱۳. محمدی، ح ، ضبط ، مصادره و استرداد اموال ، تهران ، انتشارات گنج دانش. ۱۳۹۰





۱۴. میر محمد صادقی، ح؛ حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۷.
۱۵. میرمحمد صادقی، ح؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ دوم، نشر میزان، تهران ۱۳۸۱
۱۶. نورزاد، م، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۸۹
۱۷. نوروزی فیروز، ر. حقوق جزای عمومی: مجازات، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۱۸. جرمی پ، "پارلمان و قانونگذاری علیه فساد"، ترجمه مسعود فریادی، نشریه مجلس و راهبرد، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۸۵.
۱۹. حبیب زاده، م؛ آسیب شناسی نظام عدالت کیفری ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۴۵
۲۰. حسینی، س؛ "نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین"، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۶، ۱۳۸۳
۲۱. نجفی ابرندآبادی، ع، "تحلیل جرم شناسی جرایم اقتصادی"، مجله تعالی حقوق، سال اول، شماره ۵، بهمن ماه ۱۳۸۵
۲۲. بابایی، م و غلامی، م، "مهمترین جلوه های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی"، پژوهشنامه اندیشه های حقوقی سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، ع، تقریرات درس جرم شناسی (بزهکاری اقتصادی)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴